Masoumeh Sahraei[1]

Abstract

Verse 39 of Surah al-Ra'd, *"Allah effaces whatever He wills and confirms whatever He wills, and with Him is the Mother of the Book,"* is one of the most significant Qur'anic foundations for explaining the doctrine of *Badāʾ* and has long been a subject of discussion and controversy among Shiite and Sunni scholars. Shiite exegetical traditions, drawing on this verse, understand *Badāʾ* as the manifestation and disclosure of conditional divine decrees within the realm of creation. Accordingly, they interpret it as referring to changes in decrees, God's operative knowledge, and the external manifestation of such decrees, rather than to any change in God's essential and eternal knowledge. By contrast, many Sunni scholars, understanding *Badāʾ* as the emergence of knowledge after ignorance, have regarded this doctrine as incompatible with divine eternal knowledge and have consequently criticized it.

Employing a descriptive-analytical method and a comparative approach, the present study examines the exegetical traditions of both Shiite and Sunni sources concerning Verse 39 of Surah al-Ra'd and analyzes the foundations, implications, and functions of the concept of *Badāʾ* in these traditions. The findings indicate that a considerable portion of the disagreement between the two schools stems from differences in the definition of *Badāʾ* and from conflating *Badāʾ* in the sense of the manifestation and disclosure of an affair to human beings with *Badāʾ* understood as the emergence of new knowledge for God. Furthermore, an examination of Sunni traditions concerning divine effacement and confirmation, supplication, maintaining kinship ties, and changes in certain decrees reveals themes that are close to some of the principles articulated in the Shiite explanation of *Badāʾ*. Therefore, the existing disagreement may, at least to a considerable extent, be attributed to differences in the conceptual and exegetical formulation of this doctrine rather than necessarily to a substantive disagreement in all of its dimensions. By clarifying the precise relationship between effacement and confirmation and *Badāʾ*, this study provides a basis for a critical reassessment of Sunni perspectives and for developing a more coherent understanding of the doctrine of *Badāʾ* in light of the exegetical traditions of both schools.

Keywords: *Badāʾ*, effacement and confirmation, Umm al-Kitāb, exegetical traditions, comparative analysis.

1 . PhD Student, Zeynabieh Specialized Institute, Khorramabad, Lorestan, Iran.
Email: mohsenjam07@gmail.com

مفهوم البداء في الروايات التفسيرية عند الشيعة وردود أهل السنة الروائية؛ تحليل تطبيقي في ضوء الآية ٣٩ من سورة الرعد

معصومة صحرائي [١]

المستخلص

تُعدّ الآية ٣٩ من سورة الرعد: (يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ) من أهمّ المستندات القرآنية في بيان مسألة البداء، وقد كانت على الدوام محلّ بحثٍ ومناقشة بين مفكّري الشيعة وأهل السنة. فبينما اعتمدت الروايات التفسيرية عند الشيعة على هذه الآية، وفسّرت البداء بمعنى ظهور تكشّف التقديرات المشروطة في ساحة التكوين، ونظرت إليه بوصفه ناظراً إلى التغيّر في المقدرّات والعلم الفعلي وبروزه الخارجي، لا إلى تغيّر في العلم الذاتي الأزلي لله تعالى؛ فإنّ كثيراً من علماء أهل السنة، إذ تلقّوا البداء بمعنى حصول العلم بعد الجهل، اعتبروا هذا التعليم غير ملائمٍ للعلم الأزلي الإلهي وأوردوا عليه إشكالاتٍ.

اعتمد هذا البحث المنهج الوصفي-التحليلي مع مقاربة تطبيقية (مقارنة)؛ حيث درس الروايات التفسيرية للفريقين في ذيل الآية ٣٩ من سورة الرعد، وتناول بالتحليل مباني مفهوم البداء ودلالاته ووظائفه في هذه الروايات. وقد أظهرت نتائج البحث أنّ جزءاً معتبراً من الاختلافات بين المدرستين ناشئٌ عن التباين في تعريف البداء، وعن الخلط بين البداء بمعنى ظهور الأمر وتكشّفه للعباد، والبداء بمعنى نشوء علمٍ جديدٍ لله تعالى. كما أنّ دراسة روايات أهل السنة بشأن المحو والإثبات، والدعاء، وصلة الرحم، وتغيير بعض المقدرّات، تدلّ على وجود مضامين قريبة من بعض المباني المطروحة في البيان الشيعي للبداء. ومن ثمّ، يمكن عدّ الاختلاف القائم-على الأقلّ في جزءٍ معتبرٍ من الموارد- ناشئاً عن التباين في البيان المفهومي والتفسيري لهذا التعليم، لا بالضرورة اختلافاً ماهوياً في جميع أبعاده. ويوفّر هذا البحث، من خلال بيان دقيقٍ للنسبة بين المحو والإثبات وبين البداء، أرضيةً لإعادة قراءة نقدية لمواقف أهل السنة، وتقديم فهمٍ أكثر انسجاماً لتعليم البداء في ضوء الروايات التفسيرية للفريقين.

الكلمات المفتاحية: البداء؛ المحو والإثبات؛ أُمّ الكتاب؛ الروايات التفسيرية؛ التحليل التطبيقي.

١ . طالبة بمستوى ٤ (الدكتوراه) في المعهد التخصصي زينبية، مدينة خرم‌آباد، محافظة لرستان، إيران.
البريد الإلكتروني: mohsenjam07@gmail.com

مفهوم بداء در روایات تفسیری شیعه و ردیه‌های روایی اهل سنت؛ تحلیل تطبیقی ذیل آیه (رعد: ۳۹)

معصومه صحرایی[۱]

چکیده

آیه ۳۹ سوره رعد: «يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» از مهم‌ترین مستندات قرآنی در تبیین مسئله بداء است و همواره در میان اندیشمندان شیعه و اهل‌سنت محل بحث و مناقشه بوده است. روایات تفسیری شیعه با استناد به این آیه، بداء را به معنای ظهور و آشکارشدن تقدیرات مشروط در عرصه تکوین دانسته و آن را ناظر به تغییر در مقدرات و علم فعلی و ظهور خارجی آن‌ها، نه تغییر در علم ذاتی و ازلی خداوند، تفسیر کرده‌اند. در مقابل، بسیاری از عالمان اهل‌سنت، با تلقی بداء به معنای پیدایش علم پس از جهل، این آموزه را ناسازگار با علم ازلی الهی دانسته و بر آن اشکال کرده‌اند.

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، روایات تفسیری فریقین ذیل آیه ۳۹ سوره رعد را بررسی کرده و به تحلیل مبانی، دلالت‌ها و کارکردهای مفهوم بداء در این روایات می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از اختلافات میان دو مکتب، ناشی از تفاوت در تعریف بداء و خلط میان بداء به معنای ظهور و آشکارشدن امر برای بندگان و بداء به معنای پیدایش علم جدید برای خداوند است. همچنین، بررسی روایات اهل‌سنت درباره محو و اثبات، دعا، صله رحم و تغییر برخی مقدرات، از وجود مضامینی نزدیک به برخی از مبانی مطرح‌شده در تبیین شیعی بداء حکایت دارد. ازاین‌رو، اختلاف موجود را می‌توان، دست‌کم در بخش قابل‌توجهی از موارد، ناشی از تفاوت در تبیین مفهومی و تفسیری این آموزه دانست، نه لزوماً اختلافی ماهوی در همه ابعاد آن. این پژوهش، ضمن تبیین دقیق نسبت میان محو و اثبات و بداء، زمینه بازخوانی انتقادی دیدگاه‌های اهل‌سنت و ارائه فهمی منسجم‌تر از آموزه بداء در پرتو روایات تفسیری فریقین را فراهم می‌سازد.

کلیدواژه‌ها :بداء، محو و اثبات، امّ‌الکتاب، روایات تفسیری، تحلیل تطبیقی.

۱. طلبه سطح ۴، موسسه تخصصی زینبیه. شهرستان خرم آباد.لرستان. ایران.
mohsenjam07@gmail.com

مقدمه

آیه ۳۹ سوره رعد: «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» از مهم‌ترین آیات قرآن در تبیین نظام تقدیر الهی، قضا و قدر، رابطه اراده الهی با حوادث عالم و نقش اختیار انسان در سرنوشت خویش است. این آیه از دیرباز مورد توجه مفسران، محدثان و متکلمان مسلمان قرار داشته و هر یک بر پایه مبانی تفسیری و کلامی خود، مفاهیم «محو»، «اثبات» و «امّ‌الکتاب» را تبیین کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین مباحثی که در پیوند با این آیه شکل گرفته، آموزه بداء است؛ اصطلاحی که در ادبیات کلامی امامیه جایگاهی ویژه یافته و به یکی از شاخص‌ترین مفاهیم در تبیین رابطه میان اراده الهی و تقدیرات مشروط تبدیل شده است.

بداء در اصطلاح شیعه هرگز به معنای تغییر در ذات، اراده یا علم ازلی خداوند نیست، بلکه ناظر به ظهور و تحقق تقدیرات مشروط در عالم تکوین و آشکار شدن آن برای بندگان است. با وجود این، بسیاری از نقدهای مطرح‌شده در منابع اهل‌سنت، بر پایه معنای لغوی بداء ـ یعنی ظهور رأی یا علم پس از خفا ـ شکل گرفته و ازاین‌رو، این اصطلاح با علم مطلق الهی ناسازگار دانسته شده است. همین تفاوت در تلقی از اصطلاح بداء، سبب شده است که این آموزه یکی از مباحث مناقشه‌برانگیز میان دو مکتب تلقی شود.

با این حال، در بررسی تطبیقی روایات تفسیری و حدیثی در منابع روایی هر دو مکتب، گزارش‌های فراوانی درباره تأثیر دعا، شب قدر، استغفار و دیگر اعمال انسان در تغییر برخی مقدرات نقل شده است؛ اموری که بیانگر امکان محو و اثبات در قلمرو تقدیرات مشروط و حاکمیت اراده الهی بر نظام تکوین است. ازاین‌رو، می‌توان گفت آنچه مکتب شیعه با عنوان «بداء» از آن یاد می‌کند، از حیث محتوا در روایات اهل‌سنت نیز حضور دارد، هرچند این مکتب آن را با عنوان بداء صورت‌بندی نکرده و در قالب مفاهیم دیگری مانند قضا و قدر و نسخ تبیین کرده است. بنابراین، اختلاف دو مکتب را نمی‌توان صرفاً در اصل آموزه دانست، بلکه این اختلاف بیش از هر چیز به تفاوت در اصطلاح‌پردازی، چارچوب‌های تفسیری و شیوه تبیین این آموزه بازمی‌گردد.

در این میان، مهم‌ترین وجه تمایز رویکرد امامیه، کارکرد ولایی و جایگاه معرفتی

اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر آیه محو و اثبات است. در روایات شیعه، اهل‌بیت علیهم‌السلام مفسران حقیقی قرآن و مرجع تبیین حقایق مربوط به قضا و قدر، محو، اثبات و امّ‌الکتاب معرفی شده‌اند و فهم صحیح این مفاهیم در پرتو تعالیم آنان امکان‌پذیر است. ازاین‌رو، پیوند بداء با ولایت، توسعه‌ای معرفتی در چارچوب اندیشه امامیه است، نه جزء ذاتی مفهوم بداء. در مقابل، منابع اهل‌سنت، با وجود پذیرش محتوای محو و اثبات، این آموزه را مستقل از مرجعیت ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام تفسیر می‌کنند. بدین ترتیب، منشأ اصلی اختلاف را باید در تفاوت نظام معرفتی و مرجعیت تفسیری دو مکتب جست‌وجو کرد، نه در پذیرش یا انکار اصل محتوای آموزه.

اهمیت این مسئله از آن روست که بداء، افزون بر جایگاه تفسیری-روایی خود، در فهم مفاهیمی چون قضا و قدر، اختیار انسان، تأثیر اعمال اختیاری در سرنوشت، مراتب تقدیر الهی و رابطه اراده خداوند با نظام تکوین نقشی بنیادین دارد. همچنین، از آنجا که این اصطلاح در طول تاریخ گاه منشأ سوءبرداشت‌هایی درباره اعتقادات امامیه شده است، بازخوانی تطبیقی روایات تفسیری فریقین می‌تواند در تفکیک میان «اصطلاح بداء» و «محتوای بداء» و نیز در ارزیابی منصفانه نقدهای مطرح‌شده نقش مؤثری ایفا کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: بداء در روایات تفسیری امامیه چگونه تبیین شده است؟ محتوای این آموزه در روایات و تفاسیر اهل‌سنت چگونه بازتاب یافته است؟ جایگاه معرفتی و کارکرد ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام چه نقشی در تبیین امامیه از آیه محو و اثبات دارد؟ و مهم‌ترین تفاوت‌های دو مکتب در تفسیر این آیه از چه مبانی معرفتی و تفسیری ناشی می‌شود؟

فرضیه اصلی پژوهش آن است که «بداء» اصطلاحی اختصاص‌یافته در منظومه کلامی امامیه است، اما محتوای آن، یعنی امکان تحقق محو و اثبات در قلمرو تقدیرات مشروط، در منابع روایی هر دو مکتب پذیرفته شده است. ازاین‌رو، اختلاف اصلی شیعه و اهل‌سنت نه در اصل این محتوا، بلکه در نحوه مفهوم‌پردازی آن، جایگاه ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین آیه و چارچوب معرفتی حاکم بر فهم این آموزه است.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است. بدین منظور،

مفاهیم بنیادین پژوهش از منابع لغوی، روایی، تفسیری و کلامی استخراج و تحلیل می‌شود؛ سپس روایات تفسیری شیعه و اهل‌سنت ذیل آیه ۳۹ سوره رعد گردآوری و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا بررسی می‌شود. در نهایت، با مقایسه یافته‌ها، میزان اشتراک محتوایی دو مکتب، تفاوت‌های اصطلاحی و معرفتی آن‌ها و نقش مرجعیت ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر آموزه بداء تبیین خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در میان آثار پیشین، مفسران شیعه در آثاری همچون *تبیان*، *مجمع‌البیان*، *المیزان* و تفاسیر روایی مانند *تفسیر قمی*، *البرهان*، *نورالثقلین* آیه ۳۹ سوره رعد را از مهم‌ترین مستندات قرآنی این آموزه دانسته‌اند. در مقابل، مفسران اهل‌سنت از جمله واحدی، فخر رازی، ابن‌عاشور و جبائی ذیل این آیه دیدگاه‌های متنوعی ارائه کرده و برخی از آنان به نقد دیدگاه شیعه درباره بداء پرداخته‌اند. همچنین در دهه‌های اخیر مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی پیرامون بداء، قضا و قدر و لوح محو و اثبات نگاشته شده است؛ با این حال، غالب این پژوهش‌ها یا به تبیین دیدگاه یک مذهب اختصاص یافته‌اند یا رویکردی صرفاً کلامی داشته‌اند و کمتر به بررسی تطبیقی روایات تفسیری دو مذهب و تحلیل ریشه‌های اختلاف پرداخته‌اند. از این جهت، پژوهش حاضر می‌کوشد با تمرکز بر روایات تفسیری فریقین ذیل آیه ۳۹ سوره رعد، خلأ موجود در این حوزه را تا حدی جبران نماید.

مفهوم‌شناسی

بداء

واژه بداء در لغت به معنای ظهور پس از خفاء و علم پس از جهل است (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق، ۱: ۱۰۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۱۱۳). شهرستانی بداء را به صورت اشتراک لفظی به معنای «بداء در علم»، «بداء در اراده» و «بداء در امر» می‌داند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۷۱-۱۷۲). به صحرانشین از آن رو «بدوی» گفته می‌شود که وی هنگام سکونت در شهر و قریه، در

ساختمان‌ها و محیط اجتماع پنهان است؛ ولی هنگامی که به بیابان می‌رود، در فضایی باز و گسترده که سایه‌ای در آن نیست، آشکار می‌شود (ابن‌فارس، ۱۳۹۹ق، ۱: ۲۱۲). «بداء» در اصطلاح به معنای تغییر مقدرات از سوی خداوند بر اساس پاره‌ای حوادث و وقایع و تحت شرایط و عوامل ویژه است (طباطبایی، ۱۳۶۳ش، ۱۱: ۳۸۰-۳۸۱). در بیان شیخ مفید، بداء آشکار شدن چیزی از جانب خداوند است، برخلاف آنچه عادتاً انتظارش را داشته‌ایم (شیخ مفید، ۱۳۷۲: ۶۵-۶۷).

محو

محو یعنی از بین بردن اثر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۲۰۸). محو یعنی رفتن اثر شیء و بردن اثر آن. لازم و متعدی هر دو آمده است، ولی در قرآن فقط متعدی به کار رفته است. در *مفردات* گفته شده است: «المحو: إزالة الأثر» و در *قاموس* آمده است: «محاه محیاً: أذهب أثره» (قرشی، ۱۳۹۱، ۲: ۲۴۱).

اثبات

إثبات و تثبیت گاهی درباره کار و فعل به کار می‌رود و گاهی نیز درباره چیزی که با حکم و دلیل ثابت می‌شود و گاهی نیز درباره قول و سخن، چه راست باشد و چه دروغ؛ سخن راست مانند «أثبت التوحید و صدق النبوة» (راغب، ۱۴۱۲، ۳۵۲). علامه مجلسی، مؤلف کتاب *بحارالانوار*، لوح محو و اثبات را اصطلاحی برآمده از آیات و احادیث می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ۲: ۱۳۲). در مقابل، برخی معتقدند اصطلاح «لوح محو و اثبات» خاستگاه قرآنی و روایی ندارد، بلکه این اصطلاح برای نخستین‌بار از سوی علامه مجلسی عنوان شده است (وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۴۳). لوح محو و اثبات را مظهر قدرت مطلق خدا دانسته‌اند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۸۹). به گفته محققان، حقیقت لوح محو و اثبات برای ما معلوم نیست و نباید آن را با کاغذ و کتاب‌های معمولی مقایسه کرد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۳۹).

با توجه به آیات قرآن، «محو و اثبات» صرفاً به معنای پاک کردن و ثبت کردن در یک لوح

نیست، بلکه بیانگر جریان دائمی حذف و تثبیت در نظام هستی است که یک اصل بنیادین در تدبیر الهی جهان است.

امّ‌الکتاب

راغب اصفهانی معنای اصلی «امّ» را «مادر» دانسته که سپس گسترش یافته و به چیزی که اصل برای وجود چیزی دیگر، یا اصل برای تربیت و اصلاح آن یا آغاز چیزی باشد، اطلاق شده است (راغب اصفهانی، *مفردات*، ذیل واژه «امّ»). کتاب نیز به معنای صحیفه‌ای است که در آن چیزی نوشته شده باشد (راغب، ذیل واژه «کتب»). این واژه به صورت معرفه «الکتاب» در مواردی بر تورات اطلاق شده است (بقره، آیات ۵۳ و ۷۹).

لوح محفوظ

اصل آن «ل و ح» است. هر صفحه‌ای از صفحه‌های چوب و استخوان کتف، زمانی که بر روی آن نوشته شود، لوح نامیده می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۳: ۳۰۰؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷، ۱: ۵۷۱؛ ازهری، ۲۰۰۱، ۵: ۱۶۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۵، ۳: ۲۱۲). «لوح محفوظ» در قرآن کریم به عنوان مرتبه‌ای از علم الهی معرفی شده است که همه حقایق، موجودات و رویدادهای جهان در آن ثبت و محفوظ‌اند. مهم‌ترین اشاره قرآنی به این مفهوم در آیات ۲۱ و ۲۲ سوره بروج آمده است: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ». مفسران قرآن، لوح محفوظ را خزانه علم ازلی خداوند دانسته‌اند؛ مرتبه‌ای فراتر از زمان و مکان که در آن هیچ‌گونه تغییر، فراموشی یا تحریفی راه ندارد. همچنین آیاتی مانند «وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد: ۳۹) و «وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (انعام: ۵۹) به وجود نظامی جامع برای ثبت همه پدیده‌های عالم اشاره دارند که بسیاری از مفسران آن را ناظر به لوح محفوظ دانسته‌اند (معرفت، ۱۴۲۸، ۳: ۳۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۲۶: ۳۵۴؛ سبحانی، ۱۴۱۳: ۱۴۴).

آیات مؤید بداء

در بیان شیخ مفید، بداء آشکار شدن چیزی از جانب خداوند است، برخلاف آنچه عادتاً

انتظارش را داشته‌ایم (شیخ مفید، ۱۳۷۲: ۶۵-۶۷). مهم‌ترین آیات مؤید این حقیقت عبارت‌اند از: آیه ۳۹ سوره رعد که برجسته‌ترین آیه در این باره می‌باشد، آیه ۱۱ سوره رعد، آیه ۹۸ سوره یونس، آیه ۱۱ سوره فاطر و آیه ۱۰۶ سوره بقره. از نگاه شیعه، این آیات ثابت می‌کنند که بخشی از مقدرات الهی در مرتبه «لوح محو و اثبات» مشروط و قابل تغییر است، در حالی که علم ازلی خداوند و «امّ‌الکتاب» هرگز دچار تغییر نمی‌شود.

مصادیق بداء در قرآن

در قرآن کریم مواردی وجود دارد که تقدیری برای مردم یا پیامبران ظاهر شده، اما به سبب تحقق شرطی جدید، نتیجه دیگری آشکار گردیده است. از دیدگاه مفسران شیعه، این موارد نشانه تغییر در مقدرات مشروط است، نه تغییر در علم خداوند. مانند:

قوم یونس علیه‌السلام» :فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ ۖ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (یونس، ۹۸). از امام جعفر صادق علیه‌السلام در این زمینه روایت شده است: حضرت یونس علیه‌السلام قومش را به ایمان دعوت می‌کرد و آنها اجابت نکردند؛ سپس بر آنان نفرین کرد. خداوند به وی وحی کرد که در فلان روز عذاب بر آن‌ها نازل می‌شود و ایشان در آن روز گریه کرده و توبه نمودند و خدا عذاب را از آن‌ها برگرداند (علی بن ابراهیم قمی، ۱۴۰۲، ۱: ۳۱۸).

وعده چهل شب به موسی علیه‌السلام «وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» (اعراف، ۱۴۲). ابتدا وعده سی شب اعلام شد، سپس ده شب دیگر افزوده شد و به چهل شب رسید. در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام این آیه از نمونه‌های بداء در مقام اظهار و ابلاغ شمرده شده است. از امام محمد باقر علیه‌السلام درباره این آیه نقل شده است: علم و تقدیر الهی این بود که سی شب باشد؛ سپس بدا حاصل شد و ده روز اضافه شد؛ پس میقات موسی علیه‌السلام چهل شب شد (بحرانی، ۱۴۱۵، ۲: ۵۷۹-۵۸۰).

موارد دیگری مانند رفع عذاب از بنی‌اسرائیل پس از توبه در آیات ۵۲ و ۵۴ بقره، تغییر قبله در آیه ۱۴۴ بقره، تغییر سرنوشت اقوام بر اثر اعمالشان در آیه ۱۱ رعد و بداء در ذبح حضرت

اسماعیل علیه‌السلام در سوره صافات نیز در قرآن کریم وارد شده است.

رابطه بداء و نسخ

نسخ و بداء از جهاتی ساختار مشترک و از جهاتی تفاوت ماهوی دارند. نسخ در لغت به معنای زائل کردن و از میان بردن است (قرشی، همان، ۸: ۵۳) و در اصطلاح، به رفع یا پایان یافتن اعتبار یک حکم شرعی گفته می‌شود؛ در حالی که بداء ناظر به تغییر در برخی مقدرات و امور تکوینی است.

وجه اشتراک این دو آن است که در هر دو، برای انسان تغییری در آنچه پیش‌تر مقرر یا ظاهر شده آشکار می‌شود؛ با این تفاوت که در بداء، تقدیر تکوینی می‌تواند بر اساس اسبابی مانند صله رحم و اعمال نیک تغییر یابد، در حالی که خداوند از ابتدا به این تغییر و نتیجه آن علم داشته و هیچ‌گونه جهل یا تجدد علمی در ذات او رخ نمی‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴: ۱۲۱).

بر این اساس، نقطه اشتراک نسخ و بداء، ظهور تدریجی اراده الهی برای بندگان، و نقطه افتراق آنها در قلمرو تحقق است: نسخ در حوزه تشریع و احکام شرعی، و بداء در حوزه تکوین و مقدرات الهی مطرح می‌شود (مکارم، ۱۳۸۶: ۱۰۹). از همین رو، برخی متکلمان مانند قاضی عبدالجبار هر دو را از مصادیق تغییر در اراده الهی دانسته‌اند (قاضی عبدالجبار، ۱۹۶۲، ۱۶: ۱۰۹) و شماری از عالمان شیعه، از جمله شیخ مفید، شیخ صدوق و علامه مظفر، میان معنای این دو نوعی تناظر و هم‌معنایی برقرار کرده‌اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۲۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۳۳۵؛ مظفر، ۱۳۷۸: ۴۶).

تفاسیر شیعه

تفسیر تبیان

در تفسیر شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) از آیه «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»، پیوندی اساسی میان این آیه و آیه پیشین، یعنی «لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ»، برقرار شده است. از دیدگاه ایشان، چون «کتاب» در آیه پیشین ناظر به مجموعه‌ای گسترده از مقدرات و حوادث، از جمله

اعمال انسان‌هاست، آیه بعدی بیانگر امکان محو و اثبات برخی از این امور در مراتب مختلف است. بر این اساس، تغییر وضعیت انسان در اثر توبه را می‌توان نمونه‌ای از این محو و اثبات دانست. بنابراین، مفهوم محو و اثبات در تفسیر او صرفاً به تغییر یک امر خارجی محدود نیست، بلکه به مراتب مختلف ثبت، ظهور و تعلق احکام و آثار امور نیز ارتباط پیدا می‌کند.

نکته مهم در تحلیل دیدگاه شیخ طوسی آن است که تغییر در آنچه محو یا اثبات می‌شود، به معنای تغییر در علم الهی نیست؛ زیرا خداوند از ابتدا به همه حوادث، حتی پیش از تحقق آنها، علم دارد. ثبت پیشین امور و سپس ثبت تحقق آنها در عالم، از دیدگاه او با علم ازلی و احاطه کامل خداوند به غیب منافاتی ندارد، بلکه نشان‌دهنده مراتب متفاوت ظهور و ثبت حوادث است. در همین چارچوب، مباحث لغوی نیز به فهم دقیق آیه کمک می‌کنند: «محو» به معنای از میان بردن اثر نوشته و «اثبات» به معنای آشکار کردن و تثبیت وجود چیزی است. بر این اساس، می‌توان گفت ساختار آیه میان تغییرپذیری در ساحت مقدرات و آثار اعمال و ثبات در علم جامع الهی تمایز می‌گذارد؛ یعنی ممکن است آنچه در مراتب خاصی از تقدیر یا ثبت قرار دارد، بر اساس اسبابی همچون توبه تغییر کند، اما این تغییر از پیش در علم الهی معلوم بوده است. در نتیجه، «محو و اثبات» در تفسیر شیخ طوسی نه نشانه بی‌ثباتی در علم خداوند، بلکه بیانگر چگونگی تحقق و ظهور امور متغیر در نظام الهی است (شیخ طوسی، ۱۳۸۹، ۶: ۲۶۳).

تفسیر مجمع البیان

طبرسی (م ۵۴۸ق) با استناد به روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، تفسیر عمیق‌تری از آیه ارائه می‌کند. از دیدگاه طبرسی، امور عالم دو گونه‌اند: بخشی از مقدرات که مشروط و قابل تغییر هستند و در قلمرو «محو و اثبات» قرار دارند، و بخشی که در مرتبه «امّ‌الکتاب» ثبت شده و ثابت و تغییرناپذیر هستند. طبرسی معتقد است که محو و اثبات در مراتب نازل‌تر تقدیرات جریان دارد، اما «امّ‌الکتاب» یا لوح محفوظ، اصل ثابت و نهایی همه مقدرات و جلوه علم ازلی خداوند است که هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد (طبرسی، ۱۳۶۷، ۶: ۴۵۷).

تفسیر المیزان

از نظر علامه طباطبایی، آیه «يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» بیانگر یکی از سنت‌های کلی و فراگیر الهی در نظام آفرینش است که خداوند در نظام هستی، برخی تقدیرات و آثار موجودات را محو کرده و تقدیرات و آثار دیگری را جایگزین و تثبیت می‌نماید. این محو و اثبات صرفاً به نسخ احکام شرعی محدود نمی‌شود، بلکه قانونی عام و فراگیر در سراسر عالم است و تمامی موجودات و پدیده‌هایی را که در بستر زمان و تغییر قرار دارند دربرمی‌گیرد. موجودات عالم طبیعت، رخدادهای تاریخی و شئون مختلف حیات انسانی همگی در معرض این تحول و دگرگونی‌اند و خداوند به نحو مستمر، تدبیر و اداره نظام عالم را بر عهده دارد.

با این حال، این تغییر در مقدرات به معنای تغییر در علم یا اراده الهی نیست؛ زیرا آنچه در مرتبه محو و اثبات دستخوش تغییر می‌شود، در نهایت به «امّ‌الکتاب» بازمی‌گردد. «امّ‌الکتاب» در نزد خداوند، مرتبه‌ای ثابت، اصیل و غیرقابل تغییر است که همه مقدرات به نحو قطعی و نهایی در آن ثبت شده‌اند. از این رو، آنچه برای ما به صورت تغییر و دگرگونی در مقدرات جلوه می‌کند، در علم الهی از آغاز معلوم و تحت تدبیر حکیمانه او بوده است. مفهوم «بداء» نیز در همین چارچوب معنا می‌یابد؛ یعنی ظهور تغییر در تقدیرات غیرحتمیِ مرتبه محو و اثبات، نه تغییر در علم ازلی و قطعی خداوند (طباطبایی، ۱۳۶۳، ۱۱: ۳۷۵).

تفاسیر اهل سنت

تفسیر البسیط واحدی

واحدی (م ۴۶۸ق) ذیل آیه «یمحو الله ما یشاء ویثبت»، «محو» را به معنای از بین رفتن اثر بیان کرده است و به طور مجازی تغییر و دگرگونی در احوال، احکام، وعده‌ها و سرنوشت‌ها می‌داند، در حالی که «اثبات» به معنای باقی گذاشتن و تثبیت است. بر این اساس، مفسران دیدگاه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند: برخی آیه را عام دانسته و آن را شامل تغییر در رزق، اجل، سعادت و شقاوت و نیز نسخ احکام می‌دانند، و برخی آن را به امور خاص یا غیرقطعی محدود کرده‌اند، مانند اعمالی که فرشتگان ثبت می‌کنند یا امور مرتبط با رزق و مرگ. در همه این

دیدگاه‌ها، تأکید اصلی این است که این تغییرات در چارچوب علم و قضا و قدر الهی رخ می‌دهد و هیچ‌گونه جهل یا تغییر در علم خداوند وجود ندارد؛ همچنین «امّ‌الکتاب» به عنوان لوح محفوظ یا علم ثابت الهی معرفی می‌شود که منشأ و اصل همه این محو و اثبات‌هاست و خود آن تغییرناپذیر است (واحدی، ۱۴۱۵، ۱۲: ۳۷۶).

تفسیر مفاتیح‌الغیب

فخر رازی (م ۶۰۶ق) در تفسیر آیه «يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ»، بداء را به معنای پیدایش علم جدید برای خداوند تلقی کرده و با استناد به ازلی و تغییرناپذیر بودن علم الهی، آن را مردود می‌شمارد. در عین حال، در تفسیر «امّ‌الکتاب» دو دیدگاه را مطرح می‌کند: نخست، اینکه امّ‌الکتاب همان لوح محفوظ و محل ثبت تقدیرات قطعی است و در برابر آن، کتابی قرار دارد که محل محو و اثبات است؛ دوم، اینکه امّ‌الکتاب همان علم ازلی خداوند است که هیچ‌گونه تغییر و تبدلی در آن راه ندارد.

در تفسیر آیه «یمحو الله ما یشاء ویثبت»، فخر رازی گرایش آشکاری به تبیین اشعری دارد. او هرچند احتمالات مختلف را نقل می‌کند، در نهایت بر این نکته تأکید می‌ورزد که همه دگرگونی‌ها، حتی محو و اثبات، از پیش در علم و اراده الهی معلوم بوده‌اند. بنابراین، آیه را نمی‌توان دلیلی بر تغییر رأی خدا یا پیدایش علم جدید برای او دانست. این موضع در واقع تلاشی برای جمع میان دو اصل است: از یک سو آیات و روایاتی که از تغییر برخی مقدرات سخن می‌گویند و از سوی دیگر اصل ثبات و ازلیت علم الهی. به همین دلیل، فخر رازی میان «کتاب قابل محو و اثبات» و «امّ‌الکتاب» که ثابت و تغییرناپذیر است، تفکیک می‌کند. در تطبیق میان تفسیر فخر رازی و روایات تفسیری شیعه، هم‌پوشانی قابل توجهی وجود دارد؛ زیرا هر دو، ثبات علم الهی، وجود مراتب مختلف تقدیر و تمایز میان قلمرو محو و اثبات و امّ‌الکتاب را می‌پذیرند. تفاوت اصلی در تعریف بداء است (فخر رازی، ۱۳۷۹، ۱۹: ۵۲).

تفسیر التحریر و التنویر

ابن‌عاشور (م ۱۳۹۴ق)، محو و اثبات را تجلی مشیت مستمر الهی در تدبیر عالم می‌داند و آن

را در عرصه‌هایی مانند پذیرش توبه، رفع عقوبت، تغییر احکام نسبت به اشخاص، دگرگونی حالات قلبی و تبدیل غضب الهی به رحمت تفسیر می‌کند. به اعتقاد او، این تغییرات همگی در چارچوب علم و تقدیر ازلی خداوند رخ می‌دهند و هیچ‌گونه تغییری در علم الهی ایجاد نمی‌کنند. وی همچنین «امّ‌الکتاب» را یا مرتبه‌ای ثابت و غیرقابل تغییر از تقدیر، یا همان علم ازلی خداوند می‌داند که از دسترس دیگران خارج است. دیدگاه ابن‌عاشور با روایات شیعه در پذیرش اصل محو و اثبات، ثبات علم الهی و امکان تغییر در مقدرات غیرقطعی هم‌پوشانی دارد؛ اما برخلاف روایات تفسیری امامیه، این مفهوم را به نظریه بداء و مراتب قضا و قدر یا جایگاه ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام پیوند نمی‌دهد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ۱۲: ۲۸۴).

در مجموع، تفاسیر فریقین در اصل محتوای آموزه بداء اختلاف بنیادینی ندارند؛ هر دو ثبات علم ازلی خداوند و امکان محو و اثبات برخی مقدرات را می‌پذیرند. تفاوت اصلی در نحوه صورت‌بندی و چارچوب تفسیری است؛ تفاسیر شیعه این معنا را در قالب «بداء» تبیین می‌کنند، در حالی که مفسران اهل‌سنت بیشتر از تعابیری مانند محو و اثبات، قضا و قدر و نسخ استفاده می‌کنند. بنابراین، اختلاف تفاسیر بیشتر اصطلاحی و توسعه‌ای است تا اختلاف در اصل معنا.

روایات تفسیری شیعه

روایات تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام مهم‌ترین منبع در تبیین آموزه بداء به شمار می‌آیند؛ زیرا آیات مرتبط، به‌ویژه آیه ۳۹ سوره رعد، به تنهایی ظرفیت تبیین همه ابعاد این آموزه را ندارند. این روایات با تفسیر عبارت «يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ»، قلمرو محو و اثبات را از علم ذاتی و ازلی خداوند تفکیک کرده و از برداشت‌های ناسازگار با اصل علم الهی جلوگیری می‌کنند (حیدری ابهری، ۱۳۸۹، ۸: ۱۰۰). روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام تنها به بیان معنا بسنده نکرده، بلکه شیوه‌نامه‌ای برای مفسران آینده هستند تا بیاموزند چگونه با تدبر و استفاده از قواعد عقلی و قرآنی، معانی را استخراج کنند (دوانی، ۱۳۹۸، ۴: ۱۰۱). روایات تفسیری صحیح و معتبر، به عنوان مفسر و شارح کتاب الهی، جایگاه ویژه‌ای در فهم دقیق آیات قرآن دارند و بدون توجه به آن‌ها، تفسیر قرآن

ناقص خواهد بود؛ مشروط بر اینکه با معیارهای نقد سندی و محتوایی، از جمله عرضه بر قرآن، پالایش شوند (فیضی، ۱۳۹۴، ۱: ۱۴۱).

روایات تفسیری شیعه درباره آیه ۳۹ سوره رعد را می‌توان در محورهای متعددی دسته‌بندی کرد که در این دسته‌بندی، برخی محورها به‌مراتب پرتکرارتر و بنیادین‌تر از سایر موضوعات هستند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: مسئله بداء و ظهور تقدیر جدید برای بندگان، تفکیک لوح محو و اثبات از امّ‌الکتاب، امکان تغییر برخی مقدرات غیرحتمی، حتمی بودن علم الهی در امّ‌الکتاب، تأثیر دعا در محو یا اثبات تقدیرات، تأثیر صدقه در دفع بلا، تأثیر صله رحم در افزایش عمر و روزی، نقش نیکی به والدین در تغییر سرنوشت، تأثیر استغفار در رفع بلاها، ارتباط آیه با قضا و قدر، تقسیم مقدرات به محتوم و موقوف، نقش اعمال صالح در تغییر مقدرات، تبیین مراتب مختلف علم الهی، نفی جبر و اثبات اختیار انسان، و تأکید بر اینکه سرچشمه نهایی همه تقدیرات، امّ‌الکتاب نزد خداوند است.

تبیین مراتب مختلف علم الهی

ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که فرمود: «همانا خداوند دو نوع علم دارد: یک علم نهان و ذخیره‌شده که هیچ‌کس جز خود او آن را نمی‌داند؛ بداء از همین علم پدید می‌آید. و علم دیگری که آن را به فرشتگان، رسولان و پیامبرانش آموخته است؛ پس ما نیز آن را می‌دانیم» (کلینی، ۱: ۱۴۷). این روایت علم الهی را به دو قسم تقسیم می‌کند: علمی پنهان که فقط خداوند به آن آگاه است و بداء از آن ناشی می‌شود، و علمی که به پیامبران و فرشتگان تعلیم داده شده است. بنابراین، بداء به معنای تغییر در علم خدا نیست، بلکه در مرتبه مقدرات و محو و اثبات است.

تأثیر دعا در محو یا اثبات تقدیرات

امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «خدایا! اگر نزد تو محروم بودم و روزی‌ام تنگ بود، محرومیت و تنگی رزقم را محو کن و مرا نزد خود روزی داده‌شده و موفق به انجام خیرات بنویس؛ چون خودت

فرمودی: یَمْحُوا اللهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْکِتابِ» (کفعمی، ۱۳۸۴: ۹۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۹: ۵۰۱). در این روایت، دعا یکی از مهم‌ترین اسباب تحقق محو و اثبات در تقدیرات مشروط معرفی می‌شود. استناد امام کاظم علیه‌السلام به آیه نشان می‌دهد که دعا می‌تواند به اذن الهی زمینه تغییر برخی مقدرات، مانند محرومیت یا تنگی روزی، را فراهم سازد؛ بی‌آنکه مستلزم تغییر در علم ازلی خداوند باشد.

تأثیر صله رحم در افزایش عمر و روزی

امام صادق علیه‌السلام در خطاب به ابن‌ابی‌فاطمه فرمود: «بنده‌ای به خویشانش نیکی می‌کند، در حالی که فقط سه سال از عمرش باقی مانده است، و خدا آن را سی و سه سال می‌گرداند؛ و بنده‌ای هم برای اینکه نسبت به خویشانش عاق است و حق آن‌ها را رعایت نمی‌کند، از عمرش سی و سه سال مانده و خدا آن را سه سال می‌کند.» و سپس این آیه را خواند: «یَمْحُوا اللهُ ما یَشاءُ وَیُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْکِتاب» (الطائی، ۱۳۹۶، ۷: ۳۱۸). در این روایت، صله رحم یکی از مهم‌ترین اسباب تحقق محو و اثبات در قلمرو تقدیرات مشروط بیان شده است. استناد امام صادق علیه‌السلام به آیه نشان می‌دهد که افزایش یا کاهش عمر، در مرتبه‌ای از تقدیر الهی قرار دارد که بر اساس رفتار اختیاری انسان قابل تغییر است. بنابراین، طول عمر انسان دارای دو ساحت است: تقدیر مشروط که با اعمالی مانند صله رحم یا قطع آن دستخوش محو و اثبات می‌شود، و مرتبه ثابت علم الهی، یعنی امّ‌الکتاب، که از آغاز بر همه این تغییرات احاطه دارد.

تبیین جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در قلمرو محو و اثبات

در کتاب *خصال*، در ضمن حدیثی طولانی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام آمده است که فرمود: «وَ بِنَا یَمْحُو اللهُ مَا یَشَاءُ وَ بِنَا یُثْبِتُ مَا یَشَاءُ؛ و به‌وسیله ما خداوند هرچه را بخواهد محو می‌کند و به‌وسیله ما هرچه را بخواهد ثابت می‌دارد» (مشهدی، ۱۳۶۹: ۶: ۴۷۱). همچنین امام صادق علیه‌السلام در دستورالعمل زیارت امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید که در آستانه در حرم بایست و بگو: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ؛ به‌واسطه شما خداوند غیرواقع‌ها را برطرف می‌کند، و خدا

به‌واسطه شما شداید و سختی‌ها را دور می‌نماید... و به‌واسطه شما آنچه را که بخواهد محو کرده و ثابت می‌نماید» (الطائی، همان؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۸: ۱۵۳). این روایات، بُعد ولایی و تکوینی این حقیقت را بیان می‌کنند که محو و اثبات الهی، رفع شدائد، نزول رحمت و گشایش امور «به‌واسطه» اهل‌بیت علیهم‌السلام جریان می‌یابد. مقصود از این واسطه‌گری، استقلال اهل‌بیت علیهم‌السلام در تأثیرگذاری نیست، بلکه آنان مجاری فیض و مظاهر اراده الهی‌اند.

رابطه شب قدر و ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام در تبیین بداء

روایات تفسیری فریقین، شب قدر را مهم‌ترین ظرف تحقق «محو و اثبات» در نظام تدبیر الهی معرفی می‌کنند. بر اساس این روایات، نزول سالانه تقدیرات در شب قدر صرفاً اعلام حوادث آینده نیست، بلکه مرحله‌ای از تقدیرات معلّق در «لوح محو و اثبات» است که با اسبابی مانند دعا، توبه و صدقه قابلیت تغییر دارد. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «فرشتگان در شب قدر، از غروب خورشید تا طلوع آن، امور مربوط به یک سال را به محضر امام معصوم علیه‌السلام می‌آورند» (صفار قمی، ۱۳۹۴: ۱: ۲۲۰؛ نوری طبرسی، ۱۳۶۹: ۷: ۴۶۲؛ حویزی، ۱۳۹۰: ۵: ۶۴۱). در همین چارچوب، روایات شیعه برای اهل‌بیت علیهم‌السلام کارکردی ولایی در محو و اثبات قائل هستند؛ بدین معنا که تقدیرات شب قدر بر حجت الهی عرضه می‌شود و امام به اذن الهی از آنها آگاه است، بی‌آنکه در ربوبیت یا تدبیر مستقل باشد.

روایات تفسیری اهل‌سنت

روایات تفسیری اهل‌سنت ذیل آیه ۳۹ سوره رعد، با وجود تنوع در مضامین، بر حاکمیت مطلق خداوند بر تدبیر عالم و ثبات علم ازلی او اتفاق دارند. این روایات، «محو و اثبات» را عمدتاً ناظر به تغییر در مقدرات معلّق، مانند عمر، رزق، بلا، سعادت و شقاوت، یا نسخ برخی احکام شرعی می‌دانند؛ در حالی که «امّ‌الکتاب» را مرتبه ثابت علم و تقدیر الهی معرفی می‌کنند که دگرگونی در آن راه ندارد.

تغییر روزی‌ها و آجال

در *جامع البیان* ذیل آیه مورد بحث آمده است که «محو می‌کند» یعنی کسی که اجلش فرا رسیده است و «اثبات می‌کند» یعنی کسی که هنوز اجلش نرسیده است و تا زمان اجلش باقی می‌ماند (طبری، ۱۴۱۲: ۱۲: ۵۶۸). ابن جریر از مجاهد روایت کرده است که درباره این سخن خداوند: «خداوند هرچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه را بخواهد ثابت می‌دارد»، گفت: همانا خداوند در شب قدر، هر آنچه را که در طول سال واقع خواهد شد نازل و مقدر می‌کند. سپس از اجل‌ها، روزی‌ها و تقدیرها هرچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه را بخواهد ثابت می‌دارد؛ مگر شقاوت و سعادت، که این دو ثابت و پابرجا هستند (سیوطی، ۱۴۱۴: ۴: ۶۷).

رقم خوردن تقدیرها در شب قدر

ابن‌مردویه از ابن‌عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ درباره آیه «خداوند هرچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه را بخواهد تثبیت می‌کند» مورد سؤال قرار گرفت. حضرت فرمود: «این [محو و اثبات] در هر شب قدر تحقق می‌یابد؛ خداوند [برخی امور را] بالا می‌برد و [برخی را] پایین می‌آورد و در روزی‌ها تصرف می‌کند؛ جز حیات و مرگ و شقاوت و سعادت، زیرا این امور دگرگون و زائل نمی‌شوند» (سیوطی، ۱۴۱۴: ۴: ۶۶).

تأثیر اعمال نیک در تغییر امور ناگوار

در *الدر المنثور* نقل شده است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام از پیامبر ﷺ درباره آیه «يَمْحُو اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ» پرسید و حضرت فرمود: صدقه، نیکی به پدر و مادر و انجام کارهای خیر، شقاوت را به سعادت تبدیل می‌کند، بر عمر می‌افزاید و انسان را از مرگ‌های ناگوار حفظ می‌کند (سیوطی، همان: ۶۷).

اعتقاد به محو و اثبات و عدم تغییر در امّ‌الکتاب

در تفسیر طبری آمده است که درباره آیه «خداوند هرچه را بخواهد محو می‌کند و هرچه را بخواهد تثبیت می‌کند، و امّ‌الکتاب نزد اوست» فرمود: «دو کتاب وجود دارد؛ کتابی که خداوند

در آن هرچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند، و کتاب دیگر، امّ‌الکتاب است» (طبری، ۱۴۱۲: ۱۳: ۵۶۲).

جمع‌بندی تطبیقی روایات تفسیری فریقین

بررسی تطبیقی روایات تفسیری فریقین نشان می‌دهد که اشتراکات اساسی در مؤلفه‌های بنیادین این آموزه وجود دارد. هر دو سنت، محو و اثبات را در قلمرو تقدیرات قابل تغییر و «امّ‌الکتاب» را در مرتبه‌ای ثابت‌تر تبیین می‌کنند و تغییر در مقدرات را مستلزم تغییر در علم ازلی خداوند نمی‌دانند.

محورهای اختصاصی شیعه	محورهای اختصاصی اهل‌سنت	محورهای مشترک
تبیین منسجم آموزه بداء و استمرار هدایت و ولایت الهی	پرهیز از استعمال اصطلاح بداء	ثبات علم ازلی خداوند و وجود دو مرتبه در نظام تقدیر الهی
تفکیک دقیق امّ‌الکتاب و لوح محو و اثبات در چارچوب بداء	تفسیر محو و اثبات در قالب قضا و قدر یا نسخ	پذیرش محو و اثبات در تقدیرات معلق
کارکرد ولایی اهل‌بیت در محو و اثبات	عدم اعتقاد به کارکرد ولایی اهل‌بیت در محو و اثبات	تأثیر دعا، توبه، صدقه و صله رحم در تغییر مقدرات
پیوند میان تقدیرات شب قدر و جایگاه امام به عنوان دریافت‌کننده تقدیرات	محدود کردن نقش شب قدر به نزول تقدیرات	پذیرش شب قدر به عنوان زمان تقدیر امور
تبیین بداء به عنوان ظهور امر الهی برای بندگان	تأکید بر تنزیه الهی	نفی تغییر در علم ذاتی خداوند و حاکمیت مطلق او بر محو و اثبات

شبهات بزرگان اهل‌سنت درباره بداء

اهل‌سنت، به‌ویژه اشاعره، مسئله بداء را به معنای اصطلاحی آن در اندیشه شیعه رد کرده و آن را مستلزم جهل و حدوث علم در ذات باری‌تعالی می‌دانند. مهم‌ترین شبهات آنان عبارت‌اند از:

شبهه جهل و تغییر علم الهی

فخر رازی از منکران سرسخت مسئله بداء است و عقیده شیعیان را در این مسئله باطل می‌شمارد. وی در کتاب *الأربعین*، برای بیان عدم جواز حمل بداء بر خداوند، پزشکی را مثال می‌زند که نسخه‌ای برای بیمار خود تجویز می‌کند و پس از مدتی نسخه قبلی خود را رد کرده و نسخه‌ای جدید جایگزین می‌کند. همان‌گونه که چنین رفتاری از یک پزشک حاذق انتظار نمی‌رود، تغییر رأی در خداوند نیز محال است (فخر رازی، ۱۹۸۶: ۲: ۱۱۳). فخر رازی همچنین در *المحصل* نیز تغییر رأی الهی را از جمله محالات برمی‌شمارد. در *تفسیر کبیر* خود نیز می‌گوید: «رافضی‌ها «بداء» را درباره خداوند جایز می‌دانند و «بداء» این است که به چیزی اعتقاد پیدا کند، سپس مطلب را برخلاف اعتقاد خویش بیابد، و در این‌باره به آیه: «يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ» تمسک جسته‌اند؛ در صورتی که این مطلب درباره خداوند باطل است؛ زیرا علم خداوند از لوازم ذات اوست و چیزی که از لوازم ذات باشد، تغییر و تبدیل در آن راه ندارد» (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۹: ۵۳).

ابن‌تیمیه (م. ۷۲۸ق) در کتاب *منهاج السنة النبوية* معتقد است که شیعیان و روافض به دلیل اعتقاد به بداء، خداوند را متصف به نقص می‌کنند و می‌نویسد: «بسیاری از بزرگان رافضه به خداوند متعال نسبت نقص می‌دهند... پس زراره بن اعین و امثال او قائل به جواز بداء برای خداوند هستند و اینکه خداوند به مطلبی ابتدا حکم می‌کند، سپس روشن می‌شود که اشتباه کرده و حکم قبلی را نقض می‌کند» (ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶: ۲: ۳۹۴).

اتهام به یهودی بودن عقیده بداء

برخی از وهابیون، مانند قفاری، ادعا کرده‌اند که بداء از اعتقادات یهود است و شیعه نیز این عقیده را از یهود گرفته است (قفاری، ۱۴۱۸: ۳: ۹۳۹). «احسان الهی ظهیر» نیز در کتاب *الشیعة والسنة* درباره بداء چنین می‌نویسد: «بداء از افکاری است که یهود و عبدالله بن سبأ آن را ترویج [کرده‌اند] و نتیجه آن این است که به خدا نسبت جهل و نسیان داده می‌شود؛ در حالی که شأن خداوند متعال بلندمرتبه‌تر از این حرف‌هاست» (الهی ظهیر، ۱۳۹۶: ۶۳).

اتهام به ائمه شیعه

مفسران اهل‌سنت معتقدند که ائمه شیعه، اگر وعده‌ای می‌دادند و آن وعده محقق نمی‌شد، می‌گفتند «بدا لله» تا از زیر بار وعده شانه خالی کنند و این امر را به دروغ به خداوند نسبت می‌دادند. فخر رازی در خاتمه کتاب *المحصل* و عبدالکریم شهرستانی در کتاب *ملل و نحل* از سلیمان بن جریر زیدی نقل می‌کنند که امامان رافضیان دو گفتار یا دو عقیده برای پیروان خویش وضع کرده‌اند که با وجود آن دو گفتار، هیچ‌کس بر آنان چیره نخواهد شد. گفتار نخست، بداء است؛ به این صورت که هنگامی که این امامان بگویند به‌زودی نیرو و شوکتی خواهند یافت و سپس چنین چیزی واقع نشود، می‌گویند برای خداوند متعال در موضوع آن خبر، بداء و رأیی جدید حاصل شده است. دوم، مسئله تقیه است (رازی، ۱۴۱۱: ۶۰۲؛ شهرستانی، ۱۳۶۴: ۱: ۱۸۶).

پاسخ‌های شیعه به شبهات اهل‌سنت

علمای شیعه، با رد تهمت‌های واردشده، تعریف دقیقی از بداء ارائه داده و آن را مایه تمجید خداوند و نشانه قدرت مطلق او می‌دانند، نه نشانه جهل.

تعریف صحیح بداء: ظهور برای بندگان، نه برای خدا

پاسخ اصلی شیعه این است که بداء به معنای «آشکار شدن امری برای خدا پس از نادانی» نیست؛ زیرا چنین برداشتی مستلزم جهل و در نتیجه، محال است؛ بلکه بداء به معنای «آشکار

شدن امری غیرمنتظره از سوی خدا برای بندگان» است. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است: «هر کس گمان کند که برای خدا در چیزی که دیروز نمی‌دانست، امروز بداء حاصل شده، از او بیزار باشید» (موسوی نیشابوری هندی، ۱۴۰۴: ۵: ۳۳۴).

نظریه دو لوح: لوح محفوظ و لوح محو و اثبات

مفسران شیعه، مانند علامه مجلسی، شیخ مفید و علامه فانی، با استناد به آیه «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ»، وجود دو نوع تقدیر را اثبات می‌کنند:

لوح محفوظ (امّ‌الکتاب) :علم قطعی و تغییرناپذیر خداوند است که هیچ تغییری در آن راه ندارد. در این مرتبه، همه چیز از ازل تا ابد، با تمام شرایط و جزئیات آن، ثابت و معلوم است (موسوی نیشابوری هندی، همان).

لوح محو و اثبات :لوحی است که مقدرات مشروط در آن نوشته می‌شود. خداوند بر اساس اعمال بندگان، مانند صدقه، صله‌رحم و دعا، چیزی را محو و چیز دیگری را اثبات می‌کند. بر این اساس، بداء در این مرتبه از تقدیر معنا پیدا می‌کند.

پاسخ به اتهام یهودی بودن بداء

شیعه تأکید می‌کند که بداء مورد اعتقاد آنان دقیقاً در مقابل عقیده یهود است؛ زیرا یهود معتقد بودند خدا پس از آفرینش پشیمان شد و دستش بسته است؛ «يَدُاللَّهِ مَغْلُولَةٌ» (مائده: ۶۴). این تلقی، بداء را به معنای جهل و پشیمانی درباره خداوند می‌داند؛ اما شیعه بداء را نشانه احاطه علمی و قدرت خدا می‌داند که هیچ چیز خارج از دایره علم و اراده او نیست و تغییرات عالم نیز با علم ازلی او سازگار است (موسوی نیشابوری هندی، ۱۴۰۴: ۵: ۳۳۴).

تیجانی تونسی می‌گوید: شیعه و اهل‌سنت معتقدند که خداوند می‌تواند احکام، مدت عمر و رزق را تغییر دهد. بنابراین، طعنه زدن به شیعه به دلیل اعتقاد به بداء، در حالی که اهل‌سنت نیز به تغییر قضا معتقدند، نادرست است (تیجانی تونسی، ۱۳۷۱: ۱: ۳۲۱).

نتیجه گیری

بررسی تطبیقی تفاسیر و روایات فریقین ذیل آیه (يَمْحُوا اللهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِندَهُ أُمُّ الْكِتَابِ) نشان داد که هر دو سنت تفسیری، میان قلمرو محو و اثبات و «امّ‌الکتاب» نوعی تمایز قائل شده و در عین پذیرش امکان تغییر در برخی مقدرات، ثبات علم و تقدیر نهایی الهی را محفوظ می‌دانند. همچنین، تأثیر اسبابی همچون دعا، توبه، صله‌رحم و اعمال انسان در تحقق برخی مقدرات، در روایات هر دو مکتب قابل مشاهده است. تفاوت اصلی تفاسیر فریقین به نحوه مفهوم‌پردازی، تبیین نسبت این مراتب با علم و اراده الهی و نتایجی بازمی‌گردد که هر یک از دو سنت از این تفکیک استخراج کرده‌اند.

از حیث روایات تفسیری نیز اشتراکات فریقین در مؤلفه‌های بنیادین این آموزه قابل توجه است. هر دو سنت، محو و اثبات را در قلمرو تقدیرات قابل تغییر و «امّ‌الکتاب» را در مرتبه‌ای ثابت‌تر تبیین می‌کنند و تغییر در مقدرات را مستلزم تغییر در علم ازلی خداوند نمی‌دانند. تفاوت در آن است که روایات شیعه این مجموعه مضامین را ذیل مفهوم «بداء» صورت‌بندی کرده و نسبت میان علم الهی، قضا و قدر، اختیار انسان و اسباب تغییر تقدیر را با صراحت و انسجام بیشتری توضیح داده‌اند؛ در حالی که روایات اهل‌سنت غالباً همین مضامین را بدون پذیرش اصطلاح و دستگاه مفهومی خاص «بداء» بیان کرده‌اند. بنابراین، اختلاف در کاربرد اصطلاح نباید به‌تنهایی ملاک داوری درباره اختلاف محتوایی دو سنت قرار گیرد.

وجه تمایز مهم روایات شیعه، پیوند دادن آموزه بداء با علم و کارکرد ولایی اهل‌بیت علیهم‌السلام است. در روایات شیعه، ولایت امام نسبت به برخی امور مربوط به قلمرو محو و اثبات، در چارچوب تعلیم و اذن الهی تبیین می‌شود و از استقلال امام در برابر علم و مشیت خداوند حکایت نمی‌کند. از این منظر، بداء با مسئله علم حجت الهی، استمرار هدایت و جایگاه امام در نظام هدایت ارتباط می‌یابد.

تحلیل نقدها و شبهات مطرح‌شده در سنت اهل‌سنت نشان داد که بخش مهمی از مناقشه تاریخی درباره بداء، برتلقی آن به معنای تغییر در علم الهی، ظهور علم پس از جهل، پشیمانی یا تغییر رأی خداوند استوار بوده است. این در حالی است که در تفاسیر و روایات امامیه، چنین

برداشتی صریحاً نفی شده و بداء در قلمرو تقدیر و ظهور مشیت الهی، نه در ذات و علم ازلی خداوند، تبیین شده است.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بداء در اندیشه امامیه را نمی‌توان آموزه‌ای گسسته از قرآن یا ناسازگار با اصول مشترک اسلامی دانست؛ بلکه این آموزه، صورت‌بندی کلامی منسجم‌تری از حقیقت قرآنی محو و اثبات و مراتب تقدیر الهی است. بنابراین، اختلاف فریقین نه در اصل وجود مراتب تقدیر، امکان محو و اثبات یا ثبات علم الهی، بلکه عمدتاً در نحوه اصطلاح‌پردازی، تبیین رابطه مراتب تقدیر با علم الهی و به‌ویژه کارکرد تفسیری-روایی، ولایی و هدایتی این آموزه است. چنین رویکردی می‌تواند ضمن پرهیز از یکسان‌انگاری دو دستگاه تفسیری و روایی، زمینه‌ای برای بازخوانی دقیق‌تر و منصفانه‌تر آموزه بداء و نقدهای تاریخی پیرامون آن فراهم آورد.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱ .ابن‌اثیر، ابوالسعادات، (۱۳۸۵ق)، *النهایة فی غریب الحدیث و الأثر*، بیروت: المکتبة العلمیة.

۲ .ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۶ق)، *منهاج السنة النبویة*، تحقیق: محمد رشاد سالم، بیروت: مؤسسة قرطبة.

۳ .ابن‌عاشور، محمدطاهر، (۱۹۸۴م)، *التحریر و التنویر*، تونس: الدار التونسیة للنشر.

۴ .ابن‌فارس، احمد بن فارس، (۱۳۹۹ق)، *معجم مقاییس اللغة*، بیروت: دارالفکر.

۵ .بحرانی، سیدهاشم، (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسة البعثة.

۶ .تیجانی تونسی، محمد، (۱۳۷۱ش)، *همراه با راستگویان*، قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی.

۷ .رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۴۱۱ق)، *محصل أفکار المتقدمین*، قاهره: مکتبة دارالتراث.

۸ .رازی، فخرالدین محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۹ .راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالقلم.

۱۰ .سبحانی، جعفر، (۱۴۰۸ق)، *البداء فی ضوء الکتاب و السنة*، بیروت: دارالأضواء.

۱۱ .سبحانی، جعفر، (۱۴۱۳ق)، *مع الشیعة الإمامیة فی عقائدهم*، قم: مشعر.

۱۲ .سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۱۴ق)، *الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر.

۱۳ .شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۴ش)، *الملل و النحل*، تحقیق: محمد بدران، قم: نشر الشریف الرضی.

۱۴ .شیخ طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۹ش)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۵ .شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۳۷۲ش)، *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.

۱۶ .صفار قمی، محمد بن حسن، (۱۳۶۲ش)، *بصائر الدرجات*، تهران: کتابخانه امیرالمؤمنین. علیه‌السلام

۱۷ .طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۶۳ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: نشر اسماعیلیان.

۱۸ .طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۴ش)، *مجمع البیان*، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

۱۹ .طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفة.

۲۰ .قرشی بنایی، علی‌اکبر، (۱۳۹۱ش)، *قاموس قرآن*، قم: دارالکتب الاسلامیة.

۲۱ .قفاری، ناصر بن عبدالله، (۱۴۱۸ق)، *أصول مذهب الشیعة الاثنی عشریة*، مکه: دارالرضا.

۲۲ .کفعمی، ابراهیم بن علی، (۱۳۸۴ش)، *المصباح*، قم: اهل‌الذکر.

۲۳ .کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۹۳ش)، *الکافی*، قم: دارالثقلین.

۲۴ .مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحارالأنوار*، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۵ .مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۴ق)، *مرآة العقول*، تهران: دارالکتب الاسلامیة.

۲۶ .مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیة.

۲۷ .واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۵ق)، *التفسیر البسیط*، بیروت: دارالکتب العلمیة.

۲۸ .الطائی، نجاح، (۱۳۹۶ش)، *تفسیر أهل البیت*، قم: دارالهدی لإحیاء التراث.